

در جنبش طبقاتی کارگران جانی ندارد

سازمان فدائیان (اقلیت)

جمعه ۲۲ خرداد ۱۳۸۸

به بهانه ی برگزاری مراسم اول ماه مه در پارک لاله تهران

* مقدمه:

نزدیک به چهل روز از برگزاری مراسم اول ماه مه، در روز جمعه یازده اردیبهشت ۸۸ در پارک لاله تهران می‌گذرد. از آن روز تا کنون، مقالات متعددی پیرامون این رویداد مهم کارگری، چه در تأیید چه در نفی آن، نگاشته شده و انتشار یافته است. مباحثه و اظهار نظر پیرامون اول ماه مه، نحوه برگزاری، شعارها، نتایج و تأثیرات آن، البته موضوع جدیدی نیست. واریسی موشکافانه و برخورد نقادانه به رویداد مهمی مانند اول ماه مه و نحوه برگزاری آن، چندین سال است به یکی از ثرم‌ها و ضرورت‌های شناخته شده در میان فعالان جنبش کارگری و مبارزین راه رهایی طبقه کارگر تبدیل شده است. این مباحثات از اول ماه مه سفر در سال ۸۳ به این طرف که سرمنشأ چرخشی در جنبش کارگری شد، نه فقط به یک بحث زنده و جاندار در میان کارگران پیشرو و فعالان کارگری تبدیل شده است، بلکه اول ماه مه، مسائل مربوط به آن و برگزاری مراسم مستقل کارگری به این مناسبت، یکی از محورهای مبارزه عملی کارگران بوده است. با این وجود، باید اذعان داشت که آنچه در طی این دوره کوتاه پس از مراسم پارک لاله، در این مورد، نگاشته و یا گفته شده است، در مقایسه با سال‌های گذشته، بسی فزونی یافته است. خصوصاً آنکه برخی‌ها در پوشش نقد، حرکت متحدانه کارگران در اول ماه مه را نفی می‌کنند و به بهانه شرایط سرکوب و خفقان، کارگران را به بیراهه صبر و انتظار و بی‌عملی فرامی‌خوانند.

جنبش کارگری در جریان عمل مبارزاتی و رودرروئی‌های مستقیم و غیر مستقیم با پاسداران و مدافعان آشکار و نهان نظم موجود، در هر گام مبارزه، نسبت به اشتباهات و نقاط ضعف خود آگاهی پیدا می‌کند. از نقد کارگری به قصد پیشرفت و تکامل خویش استقبال می‌کند، از آن می‌آموزد و تجارب قطره قطره اندوخته شده خویش در جریان مبارزه طولانی را، چراغ راه خود قرار می‌دهد. جنبش طبقاتی کارگران اما از آنجا که برای تحقق مطالبات خویش هر روز و هر ساعت باید با سرمایه و پاسداران مناسبات سرمایه‌داری دریفتد، نمی‌تواند آنطور که برخی از به اصطلاح منتقدان اول ماه مه توصیه می‌کنند، پاسیفیسم و بی‌عملی پیشه کند. مبارزه نظری، یکی از وجوه بسیار مهم مبارزه طبقاتی و ابزار مؤثری است که با آن باید ناخالصی‌ها، خرده ناخالصی‌ها و انحرافات درون جنبش کارگری و حاشیه آن به مقابله پرداخت و گرایش‌ها و اندیشه‌های بی‌ربط به جنبش طبقاتی کارگران را نیز ایزوله و منفرد ساخت. هرچند این واقعیت را نمی‌توان انکار نمود که جریان عمل مبارزاتی، بیش از هر مبارزه نظری، ماهیت اینگونه گرایش‌ها را برملا می‌سازد. در مسیر روبه‌رشد و بالنده جنبش کارگری و در جریان صیقل‌یابی و پیشرفت مبارزه طبقاتی، هر اقدام مبارزاتی کارگران از نوع برگزاری مراسم اول ماه مه در پارک لاله نیز بسیار مؤثرتر از هر مبارزه نظری، ماهیت اینگونه گرایش‌ها را در چشم توده کارگران فاش می‌سازد و جنبش کارگری در مسیر پیشرفت و تعالی خویش، بی‌تردید اینان را مانند خس و خاشاکی بی‌مقدار از سر راه خود کنار می‌زند. بعد از این مقدمه، اکنون مراسم اول ماه مه در پارک لاله تهران و برخی انتقادات را که در این مورد مطرح شده است، خلاصه‌وار مورد بررسی قرار می‌دهیم.

* مراسم اول ماه مه در پارک لاله

اول ماه مه سال ۸۸ از چند جهت با مراسم اول ماه مه در سال‌های گذشته متفاوت بود. اولین نکته مهم در این مورد این است که برخلاف سال‌های گذشته که هر تشکیلی مراسم مستقل خود را در یکی از سالن‌ها و یا محیط‌های در بسته و یا در بیرون از شهر برگزار می‌نمود، سال ۸۸ مراسم واحدی در یکی از مناطق پر رفت و آمد تهران و به فراخوان کمیته مشترکی به نام کمیته برگزاری مراسم اول ماه مه، برگزار شد. در این کمیته، علاوه بر سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوس‌رانی تهران و حومه و سندیکای کارگران

نیشکر هفت تپه، که تشکل های توده ای کارگری هستند، اتحادیه آزادکارگران ایران، هیأت بازگشائی سندیکای کارگران نقاش و تزئینات ساختمان، شورای همکاری تشکل ها و فعالین کارگری متشکل از: کمیته پی گیری برای ایجاد تشکل های آزاد کارگری، کمیته هماهنگی برای کمک به ایجاد تشکل های کارگری، جمعی از فعالین کارگری، شورای زنان و کانون مدافعان حقوق کارگر، حضور داشتند. این تشکلها که در گذشته، هرکدام به تنهایی و آنطور که خود تشخیص میدادند، مراسمی به مناسبت اول ماه مه برگزار میکردند و یادر مراسمی که دیگران آن را تدارک دیده بودند شرکت می کردند، این بار با تشخیص، همفکری و توافق جمعی، مراسم واحدی را برگزار نمودند.

فراموش نکنیم که در سال ۸۶ همین تشکل ها، منهای سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه که هنوز اعلام موجودیت نکرده بود، نه فقط نتوانسته بودند مراسم مشترکی با شعارها و قطعنامه مشترکی را سازماندهی کنند، بلکه حتا نسبت به چگونگی برگزاری مراسم اول ماه مه و چند و چون مداخله، برای بدست گرفتن مراسمی که توسط خانه کارگر برپا می شد نیز برنامه واحدی نداشتند. و باز نباید فراموش کرد که در سال ۸۷ همین تشکل ها، بر این باور بودند که با حضور فعال خود در مراسمی که از سوی خانه کارگر برگزار می شود، مانند سال های قبل تر از آن می توانند ابتکار عمل را خود بدست گیرند اما همانطور که شاهد بودیم، رژیم ضد کارگری و خانه کارگر آن، با برگزاری مراسم دولتی، در محلی دور افتاده و تحت کنترل شدید نیروهای پلیسی، امنیتی و حراستی، از ورود فعالان کارگری به محل برگزاری مراسم جلوگیری به عمل آوردند و تاکتیک فعالان و تشکل های کارگری را خنثا ساختند. از این رو در سال ۸۷، به استثنای مورد پارک چیت گر که موردیورش وحشیانه نیروهای سرکوب قرار گرفت و به پارک جهان نمای کرج منتقل شد، هیچگونه مراسمی در تهران نه در اشکال محدود و محیط های بسته و نه در اشکال دیگر مانند راهپیمائی و تظاهرات خیابانی برگزار نشد. روشن است که در برگزاری سلسله مراسم های اول ماه مه در طول لاقول یک دهه اخیر، سازماندهی و برگزاری مراسم واحد و مستقل اول ماه مه در پارک لاله تهران توسط مجموعه ای از تشکل ها و فعالان کارگری، پیشرفت بزرگی در این زمینه محسوب می شود. شکل گیری کمیته برگزاری مراسم اول ماه مه و سازماندهی یک اتحاد عمل کارگری، گام بسیار مهم و موفقیت آمیزی بود که پس از چند سال تلاش آگاهانه کارگران پیشرو و فعالان جنبش کارگری، نصیب جنبش کارگری می شد. اگر چه همانطور که اشاره شد مشارکت افراد و نیروهای وابسته به این تشکل ها در مراسم هایی که توسط هر یک از آنها برگزار می شد بی سابقه نبود، اما اتحاد عمل رسمی تا حد تشکیل یک کمیته واحد برگزاری مراسم اول ماه مه در تهران، برگزاری مراسم واحد و صدور قطعنامه واحد بی سابقه بود. این پدیده، یک بار دیگر نشان داد که کارگران ایران و تشکل های کارگری، نه فقط نسبت به اهمیت و ضرورت اتحاد عمل کارگری و غلبه بر پراکندگی موجود، اشرف و آگاهی دارند، بلکه با تأکید بر روی نکات اشتراک خویش و سازماندهی این اتحاد عمل، گام عملی مشخصی نیز در این جهت برداشتند. این گام عملی فعالان و تشکل های کارگری، بیانگر درجه بالای شناخت و آگاهی آنان و بیانگر مراحل پیشرفته تر بلوغ جنبش کارگری است.

موضوع مهم دیگر این است که اول ماه مه امسال در شرایطی برگزار شد که رژیم ارتجاعی حاکم، بر شدت اعمال سرکوبگرانه خود علیه کارگران و فعالان جنبش کارگری و دیگر جنبش های اعتراضی افزوده بود. رژیم جمهوری اسلامی علاوه بر آنکه در تمام طول سال، علیه کارگران دست به اقدامات سرکوبگرانه می زند و برای ممانعت از متشکل شدن کارگران و خاموش ساختن صدای اعتراض آنان، فعالان کارگری و کارگران پیشرو را اخراج، احضار و بازداشت می کند و به زندان می اندازد، اما در آستانه اول ماه مه، عموماً بر شدت اقدامات سرکوبگرانه خود می افزاید. اکنون چند سالی است که احضار و بازداشت و تهدید کارگران پیشرو و فعالان کارگری برای مرعوب ساختن کارگران و ممانعت از برگزاری مراسم اول ماه مه، به روش عمومی رژیم تبدیل شده است.

امسال نیز دستگاه های امنیتی و سرکوب رژیم، از حدود دو ماه مانده به اول ماه مه، بر شدت اقدامات ضد کارگری خود افزودند. دستگیری های گسترده فعالین کارگری و اعضای برخی از تشکل های که جزو فراخوان دهندگان اول ماه مه بودند، تلفن های تهدیدآمیز و احضار های مکرر فعالین کارگری نشان می داد که رژیم ضد کارگری جمهوری اسلامی مصمم است به هر قیمت، از برگزاری مراسم اول ماه مه ممانعت به عمل آورد. با این وجود فعالان کارگری و سازماندهندگان مراسم اول ماه مه، از این تهدیدات نهراسیدند و با علم به این که مراسم آن ها با تلفات و هزینه همراه خواهد بود، با جسارت و شجاعت این مراسم را که وحشیانه مورد سرکوب قرار گرفت اما بازتاب وسیعی در داخل و خارج کشور پیدا کرد، برگزار نمودند.

از مهم‌ترین و برجسته‌ترین نکات مربوط به اول ماه مه ۸۸، قطعنامه‌ای است که تشکل‌های کارگری در اتحاد عمل خود به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر صادر نموده‌اند.

قطعنامه مشترک تشکل‌های فراخوان دهنده مراسم اول ماه مه ۸۸، تبلور دیگری است از ارتقاء سطح آگاهی طبقاتی کارگران و شاهد دیگری است بر پیشرفت جنبش طبقاتی کارگران ایران. قطعنامه کارگران ایران به مناسبت اول ماه مه روز جهانی کارگر در همان نخستین سطر خود، نوک تیز حمله را متوجه نظام سرمایه‌داری می‌کند و از روز اول ماه مه به عنوان روز همبستگی بین‌المللی طبقه کارگر و روز جوش و خروش کارگران در سراسر جهان برای رهائی از مشقات نظام سرمایه‌داری و بیان خواست‌های کارگران برای برپائی دنیائی عاری از ستم و استثمار یاد می‌کند. در قطعنامه کارگران ایران، پس از اشاره به بحران عظیم اقتصادی موجود و گنبدی نظام سرمایه‌داری، باز هم بر ضرورت برپائی دنیائی فارغ از مناسبات ضد انسانی نظام سرمایه‌داری، به مثابه یگانه راه خلاصی بشریت از مصائب موجود، تأکید می‌شود. تا همین جا، قطعنامه کارگران ایران، یک بیانیه سیاسی ضد سرمایه‌داری است و آلترناتیو آن نیز، سوسیالیسم است!

علاوه بر این، در قطعنامه ۱۵ ماده‌ای کارگران ایران به مناسبت روز جهانی کارگر، نه فقط مهم‌ترین مطالبات کارگری از جمله تأمین امنیت شغلی، دستمزدهای معوقه، لغو قراردادهای موقت، حق آزادی بیان و تجمع و تشکل‌های مستقل کارگری، افزایش دستمزد بر پایه اعلام نظر خود کارگران از طریق نمایندگان کارگری و تشکل‌های مستقل کارگری گنجانده شده است، بلکه کارگران همچنین خواستار برابری حقوق زنان و مردان در تمامی شئون زندگی اجتماعی و اقتصادی و محو کلیه قوانین تبعیض آمیز علیه زنان شده‌اند. قطعنامه، از مطالبات معلمان، پرستاران و سایر اقشار زحمتکش جامعه، قاطعانه حمایت نموده و خواستار لغو حکم اعدام فرزند کمانگر شده است. سیستم سرمایه‌داری، بعنوان عامل کار کودکان شناخته شده و خواستار تهیه امکانات آموزشی، رفاهی و بهداشتی برای کودکان شده است. تحمیل بی حقوقی مضاعف بر کارگران مهاجر افغانی و سایر ملیت‌ها محکوم شده است. در قطعنامه کارگران ایران، "از تمامی جنبش‌های آزادی‌خواهانه و برابری طلب، همچون جنبش دانشجویی و جنبش زنان" پشتیبانی به عمل آمده، دستگیری، محاکمه و به زندان افکندن فعالین این جنبش‌ها نیز قویاً محکوم شده است. قطعنامه کارگران ایران، خواستار آزادی کلیه کارگران زندانی، از جمله منصور اسالو و ابراهیم مددی و لغو کلیه احکام صادره و توقف پی‌گردهای قضائی و امنیتی علیه فعالین کارگری شده است. در ماده ۱۴ قطعنامه، کارگران ایران ضمن حمایت از اعتراضات و مطالبات کارگران در سراسر جهان، خود را متحد آنان دانسته و "بیش از هر زمان دیگری بر همبستگی بین‌المللی طبقه کارگر برای رهائی از مشقات نظام سرمایه‌داری تأکید" شده است!

قطعنامه کارگران ایران به مناسبت اول ماه مه که با مضمونی رادیکال و ضد سرمایه‌داری و سرشار از روحیه انترناسیونالیستی تهیه و تنظیم شده است، بار دیگر نشان داد که جنبش کارگری ایران، جنبشی حقیقتاً پیشتاز علیه نظم موجود است. البته تنظیم و صدور قطعنامه با مضمون رادیکال و ضد سرمایه‌داری در جنبش کارگری، امر بی‌سابقه‌ای نیست. در سال‌های گذشته نیز، قطعنامه‌هایی باین مضمون، توسط کارگران ایران، به ویژه کارگران و فعالان کارگری در شهرهای کردستان به مناسبت اول ماه مه، تهیه و تنظیم شده و انتشار یافته است. اما قطعنامه اخیر از این جنبه نیز مهم است که ده تشکل برگزار کننده مراسم، از جمله و به ویژه سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه و سندیکای کارگران شرکت واحد نیز پای آن را امضا کرده‌اند. قطعنامه اول ماه مه، در واقع قطعنامه‌ای متعلق به یک تشکل و یا جمع معدودی از کارگران و فعالان کارگری نبود، بلکه قطعنامه تمام کارگران ایران بود.

گفتن ندارد که تهیه و تنظیم قطعنامه‌ای که می‌بایست، هم برآیند نظرات فعالین و نمایندگان تشکل‌های برگزار کننده مراسم را بازتاب دهد و کل این تشکل‌ها را متحد سازد و هم مضمون رادیکال و ضد سرمایه‌داری داشته باشد و هم در عین حال از یک روحیه انترناسیونالیستی برخوردار باشد، کار ساده‌ای نیست. توافق روی مضمون این قطعنامه، به روشنی نشان می‌دهد که امضا کنندگان قطعنامه، منافع جمعی و منافع طبقه کارگر را بر منافع گروهی و منافع تشکل خویش ترجیحیت داده‌اند، که این مسأله نیز، باز هم دلیل دیگری بر بلوغ و پیشرفت جنبش کارگری است.

در چند سال اخیر، مکرر شعار اتحاد جنبش‌های اعتراضی مطرح شده و از ضرورت پیوند جنبش زنان و دانشجویان با جنبش کارگری صحبت شده است. تشکل‌های کارگری، این جانیز پیش قدم شدن دوبا اتحاد عمل خویش در برگزاری مراسم اول ماه مه، مقدمه تحقق این

شعار را نیز فراهم ساختند!

پس از یورش نیروهای سرکوب به مراسم کارگران و بازداشت بیش از ۱۵۰ تن از فعالان کارگری و دیگر شرکت کنندگان در این مراسم، کمیته برگزاری مراسم اول ماه مه، بلافاصله و در همان روز یازده اردیبهشت و در اعتراض به اقدامات سرکوب گرانه رژیم، واکنش نشان داد. ادامه کاری این کمیته و پیگیری مسأله بازداشت شدگان و صدور چند اطلاعیه و فراخوان به کمپین برای آزادی دستگیر شدگان، نشان داد که کمیته برگزاری مراسم اول ماه مه از این ماندات برخوردار است که در چهارچوب توافقات تشکل‌های فراخوان دهنده برگزاری مراسم، ادامه کاری داشته باشد.

و باز در همین رابطه، فراخوان کمیته برگزاری مراسم اول ماه مه به کمپین برای آزادی دستگیر شدگان روز جهانی کارگر، که مورد حمایت ده‌ها انجمن و جمع‌های متشکل کارگری در استان‌های مختلف، از جمله انجمن برق و فلز کرمانشاه، کارگران متشکل در کارخانه‌های پردیس و شین بافت سنندج، جمع‌هایی از کارگران عسلویه، لوله سازی اهواز، ایران خودرو، لاستیک البرز، پالایشگاه تبریز، پتروشیمی تبریز، ماشین سازی تبریز، تراکتور سازی تبریز، سیمان صوفیان، چینی سمنان، ذوب آهن اردبیل و جمع‌های دیگری در ده‌ها کارخانه و مؤسسه قرار گرفت، تماماً نشان دهنده آن است که موقعیت کنونی جنبش کارگری اکنون به نحویست که تشکل‌ها و فعالان جنبش کارگری می‌توانند، گام‌های بیشتری در راستای گسترش اتحاد خویش بردارند و برای فرا رویاندن اتحاد عمل‌های موردی به اتحاد عمل‌های عالی‌تر و پایدارتر، تلاش ورزند.

* انتقاد یا توجیه پاسیفیسم و بی‌عملی؟

برخی چنین انتقاد می‌کنند، از آنجا که از قبل مشخص بود مراسم اول ماه مه مورد یورش مزدوران رژیم قرار می‌گیرد، بنابراین تشکل‌های فراخوان دهنده و کمیته برگزاری مراسم اول ماه مه، نباید پای برگزاری آن می‌رفتند. این دیدگاه، با استناد به ماهیت سرکوبگرانه رژیم حاکم، و این استدلال که دستگاه حاکمه در دوره بحرانی کنونی که خودش را با شورش‌های فراگیر روبرو می‌بیند و برای چنین دورنمایی خود را آماده می‌سازد، می‌گوید که فراخوان‌های مبارزاتی، سازماندهی کارگران، تبلیغ و ترویج در مورد تشکل سازی و امثال آن، برای رژیم غیرقابل تحمل‌تر از پیش است. همچنین با اشاره به امکانات پلیسی - جاسوسی رژیم و برخورداری آن از واحدهای ویژه ضد شورش که بر مبنای تازه‌ترین تمرینات پلیس کشورهای امپریالیستی آموزش یافته‌اند، چنین نتیجه می‌گیرد که مراسم اول ماه مه نباید آنگونه که برگزار شد، برگزار می‌شد، بلکه کارگران می‌بایستی در گروه‌های کوچک چند نفره در نقاط مختلف شهر، آکسیون‌های کوتاه مدت تبلیغی برگزار می‌کردند و به شعار نویسی روی دیوارها و پخش شبنامه و امثال آن می‌پرداختند! اینان به خیال آنکه خود تحلیل درستی از اوضاع سیاسی بدست داده‌اند و نتایج درستی نیز از آن اخذ کرده‌اند، برگزار کنندگان مراسم اول ماه مه را به نداشتن تحلیل درست از اوضاع سیاسی کنونی و از موقعیت رژیم متهم می‌سازند. خلاصه حرف این‌ها و امثال این‌ها حال چه حرف خود را به صراحت بگویند، چه آن را در پرده‌ای از الفاظ بپوشانند، این است که اتحاد عمل کارگران و برگزاری مراسم اول ماه مه در پارک لاله تهران، نه فقط هیچ دستاورد و نتیجه مثبتی نداشته است، بلکه اقدام "نسنجیده" ای بوده است که بدون در نظر گرفتن موقعیت رژیم و توازن نیروها صورت گرفته و هزینه گزافی نیز در پی داشته است. برخی، پا را از این هم فراتر گذاشته و در مورد سرخوردگی فعالان کارگری دستگیر شده نیز، از قبل به قضاوت پرداخته‌اند!؟

این دیدگاه، صرف نظر از آنکه چه نقش و وظیفه‌ای برای فعالان کارگری و کارگران پیشرو، در رابطه با سازماندهی مبارزات کارگران، سازمان‌یابی و ایجاد تشکل‌های کارگری قایل باشد، با انکار دستاوردها و نتایج مثبت اتحاد عمل ده تشکل و گروه کارگری، که به برخی از این دستاوردها و جنبه‌های مثبت آن اشاره کردیم نشان می‌دهد که نسبت به مسائل و معضلات جنبش کارگری بیگانه است، دیدگاهی حاشیه‌ای، بی‌ربط با تشکل‌های درگیر در اتحاد عمل کارگریست و ربطی به طبقه کارگر و جنبش طبقاتی کارگران ندارد.

گرایشی که با مخفی شدن در پشت "توازن قوا" هرگونه اقدام علنی و توده‌ای کارگری در شرایط کنونی را نفی می‌کند، اقتدار نیروهای سرکوب رژیم را به رخ کارگران می‌کشد تا وحشت زدگی خویش را به درون کارگران رسوخ دهد، این دیدگاه از فرط وحشت از عواقب برگزاری مراسم علنی توده‌ای کارگری، پیشاپیش دستهای خود را به نشانه تسلیم بالا برده است و کارگران را نیز به تسلیم فرامی‌خواند! اما هر فعال کارگری که از نزدیک دستی بر آتش مبارزات کارگری داشته باشد، این را خوب می‌داند که توده طبقه کارگر، بنابه

موقعیت خود، نمی‌تواند دست روی دست بگذارد و ابتدا در انتظار فرا رسیدن توازن قوای مناسب باشد، و بعد از فرا رسیدن یک توازن قوای مناسب، برای کسب مطالبات خود دست به مبارزه بزند. ده‌ها و صدها اعتصاب و اجتماع اعتراضی، تظاهرات، راهپیمایی و راهپندان در سال گذشته و نیز در سال جاری، مستقل از آنکه توازن قوا، چگونه بوده و چگونه است، انتخاباتی در کار است و یا رژیم به چه بهانه‌ای به مقابله با اعتراضات کارگران برخواهد خواست، گویای این واقعیت است که دیدگاهی که در خفای توازن قوا، بی‌عملی و پاسیفیسم خود را توجیه می‌کند، هیچ ربطی به مبارزه زنده طبقه کارگر و جنبش کارگری ندارد. این درست است که سنگینی توازن قوای طبقاتی در لحظه کنونی به سود رژیم و طبقه حاکم است، اما اولاً طبقه کارگر ایران با مبارزات پیگیرانه خود توانسته است در چارچوب همین توازن قوا، گام‌هایی به پیش بردارد و از سال ۸۳ به این سو، تغییراتی در آن نیز ایجاد کرده است. ثانیاً، توازن قوا، قرار نیست در یک روز بهاری و در یک روز تعطیل آفتابی، به سود طبقه کارگر عوض شود، و یا چنین تغییری از آسمان نازل شود! مبارزه طبقه کارگر و همین مبارزات و تلاش‌های مستمری که کارگران برای متشکل شدن و برای کسب حق و حقوق خود و تحمیل آن بر رژیم و نیز مبارزات معلمان، زنان، دانشجویان و سایر اقدار زحمتکش مردم علیه رژیم، در چند و چون توازن قوای موجود و فراهم سازی شرایطی که این توازن، کاملاً به زیان رژیم رقم خورده باشد، مؤثر است. جنبش طبقاتی کارگران در هر گامی که به پیش برمی‌دارد، گامی نیز به آن حد از توازن قوا نزدیک‌تر می‌شود. این دیالکتیک مبارزه طبقاتی است. مبارزه طبقاتی مانند قدم زدن در پیاده‌رو یک خیابان پهن خلوت و یک‌طرفه نیست. مبارزه طبقاتی، پیچیده و خارج از اراده این یا آن گرایشی که در حاشیه به تماشا ایستاده است، زنده و جاری‌ست. بدیهی‌ست که تا آنجا که ممکن است باید در هر حرکت اعتراضی و در هر اقدام کارگری، تلفات و هزینه‌های پیشرفت جنبش کارگری را پائین آورد. اما همین جاباید تصریح نمود که تصور پیشرفت جنبش کارگری و تعمیق مبارزه طبقاتی، بدون تلفات و هزینه، خواب و خیالی بیش نیست و فقط می‌تواند در ذهن کسانی که برای بی‌عملی خود دنبال توجیه می‌گردند وجود داشته باشد. بنابراین تعطیل مبارزه (که تعطیل بردار نیست) از ترس پرداخت هزینه نیز، ربطی به سنت‌های انقلابی جنبش کارگری ندارد. اینطور به نظر می‌رسد که حاملین این دیدگاه، در بهترین حالت، در شرایط کنونی، صرفاً به فعالیت و کار مخفی باور دارند و هرگونه فعالیت و مبارزه علنی کارگری را نفی می‌کنند. اینان در حالیکه ادای سازمان‌های زیرزمینی پنهان کار را درمی‌آورند، اما در واقعیت امر عناصری جدا از توده کارگران و طبقه کارگر بیش نیستند.

قابل ذکر است که مارکسیست‌های قانونی و علنی نیز بر مبنای همین دیدگاه و جدائی حاملین آن از توده طبقه کارگر است که فعالیت و کار مخفی را به کلی نفی می‌کنند و بنای فعالیت خویش را بر علنی کاری و شکل قانونی مبارزه می‌گذارند. بدیهی‌ست که در شرایط و توازن قوای کنونی، هر سازمان و حزب جدی سیاسی مدافع منافع طبقه کارگر، اساس کار خود را باید بر فعالیت مخفی بگذارد، اما این مطلقاً بدان معنا نیست که گویا یک تشکیلات مخفی کار، نباید فعالیت سیاسی علنی و قانونی داشته باشد. "منتقدین" اتحاد عمل کارگری در اول ماه مه ۸۸، این را درک نمی‌کنند و یا نمی‌خواهند آن را درک کنند که حتا جمع‌ها یا هسته‌های سرخ مخفی کار نیز، زمانی می‌توانند حیات رزمنده داشته باشند و آن را حفظ کنند که اعضای آن ارتباطی زنده و فعال با توده‌های کارگر داشته باشند و در مبارزات آنها نیز مشارکت نمایند و نه فقط در مبارزات کارگران باید فعالانه حضور داشته باشند، بلکه باید پیشاپیش مبارزات کارگران حرکت کنند. آنان همچنین باید در تشکل‌های قانونی و نیمه قانونی کارگری و غیر دولتی نیز حضور داشته باشند، بدون آنکه هویت کمونیستی خود را برملا کنند. بنابراین در شرایط کنونی، با تلفیق مناسبی از کار علنی، نیمه علنی و مخفی‌ست که باید وظیفه متشکل ساختن و ارتقاء سطح آگاهی توده کارگران را انجام داد نه اینکه به بهانه توازن قوا، به گنجی خزید و نسخه پاسیفیسم و انفعال پیچید و بدتر از آن، کسانی را که به انجام این وظیفه مشغولند، مذمت کرد و "ماجراجو" خواند!

جالب این‌جاست که این "منتقدین" اتحاد عمل کارگری در اول ماه مه، در حالی این حرکت کم سابقه و متحدانه کارگران را نفی می‌کنند و سندیکای کارگران شرکت واحد، سندیکای کارگران نیشکر هفت تپه و هشت تشکل دیگر فراخوان دهنده مراسم اول ماه مه را نیز تلویحاً به "ماجراجوئی" متهم می‌سازند که خود به نوعی، کارگران را به ماجراجوئی و اتخاذ تاکتیک‌هایی مانند تقسیم کارگران به گروه‌های متعدد و کوچک و دست زدن به آکسیون‌های کوتاه مدت تبلیغی، شعار نویسی، پخش شب‌نامه و امثال آن بجای برگزاری مراسم اول ماه مه در پارک لاله، دعوت می‌کنند!

* کسی که حرکت می‌کند، اشتباه هم می‌کند

بحث‌های ما پیرامون پیشرفت‌های جنبش کارگری و دفاع ما از اتحاد عمل مبارزاتی کارگران و تشکل‌های کارگری، به هیچوجه به معنای این نیست که اقدام اخیر فعالان جنبش کارگری بی عیب و نقص بوده است و یا هیچگونه نقص و کمبود و اشتباهی در کار این رفقا و دوستان وجود نداشته است. کسی که حرکت می‌کند، اشتباه هم می‌کند! تنها کسانی اشتباه نمی‌کنند که حرکت نمی‌کنند و دچار بی‌عملی و پاسیویسم‌اند. بدیهی‌ست که اتحاد عمل کارگری در اول ماه مه را، بهتر از هر کسی خود فعالان کارگری که از نزدیک درگیر مسأله بوده‌اند می‌توانند از زوایای گوناگون و با دقت بیشتری مورد بررسی و نگاه انتقادی قرار دهند. جنبش کارگری ایران به آن درجه از پختگی رسیده است که مسؤلانه به این کار دست بزند. جنبش کارگری و تشکل‌های کارگری فراخوان دهنده مراسم اول ماه مه، از این ظرفیت برخوردارند که نقاط ضعف خود را شناسایی و با آن به مقابله بپردازند. با این وجود، بی‌مناسبت نیست که در این جا به یکی از نقاط ضعف برگزاری مراسم اول ماه مه پارک لاله اشاره‌ای داشته باشیم.

ضعف اصلی اقدام مشترک تشکلهای فراخوان دهنده مراسم اول ماه مه، در نحوه برگزاری مراسم بود. مراسم اول ماه مه، در واقع در همان مراحل اولیه و پیش از آنکه بطور واقعی آغاز شده باشد، وحشیانه مورد یورش نیروهای نظامی و امنیتی قرار گرفت و بدین ترتیب، رژیم ضدکارگری قادر شد، از برگزاری مراسمی که تشکلهای کارگری از روزها و هفته‌ها قبل آنرا تدارک دیده بودند، ممانعت بعمل آورد. با توجه به این موضوع که، تصمیم رژیم و نیروهای سرکوب آن از قبل مشخص بود که با تمام توان به مراسم ما یورش خواهد آورد، بنابراین ما می‌توانستیم و فرصت داشتیم بر مبنای شواهد و پیش بینی ها، راه جوئی کنیم و مراسم را به شکلی برگزار نماییم که امکان مانور کارگران بیشتر می‌بود، به نحوی که، در مرحله نخست میزان دستگیری‌ها و هزینه‌ها پائین می‌آمد و در مرحله بعدی، مراسم ما دوام بیشتری می‌آورد. برای مثال، محل تجمع می‌توانست جائی پر رفت و آمدتر باشد. به نحوی که اگر نیروهای انتظامی و امنیتی در همان آغاز دست به محاصره و سرکوب اجتماع کنندگان می‌زدند، اجتماع کنندگان نیز قادر می‌بودند از محل تجمع، در یکی از خیابان‌های شلوغ منتهی به این محل، دست به راهپیمائی بزنند. بدیهی‌ست که در این حالت نیز نیروهای سرکوب وارد عمل می‌شدند و وظیفه ضد کارگری خود را انجام می‌دادند. اما در عین حال کارگران نیز فرصت می‌یافتند، اولاً صدای خود را به گوش اقتشاری از مردم و عابریین برسانند و چه بسا خود این عابریین نیز به حمایت از کارگران روی می‌آوردند. ثانیاً در این حالت، یورش نیروهای سرکوب نیز نمی‌توانست به سادگی یورش آنها در پارک باشد و همه را یکجا دستگیر کند. چرا که هم حضور سایر اقشار مردم و احتمال عکس‌العمل آن‌ها تا حدودی مانع این می‌شد و هم در عین حال این امکان فراهم می‌شد که شرکت کنندگان در مراسم، خود را از معرض شناسایی و دستگیری توسط نیروهای امنیتی و اطلاعاتی دور کنند. بدین ترتیب هم اجتماع ما دوام بیشتری می‌یافت و هم تلفات و دستگیری‌ها پائین می‌آمد.

در این مورد می‌توان به نمونه اجتماع اعتراضی معلمان در روز ۱۴ اردیبهشت در برابر اداره آموزش و پرورش استان تهران اشاره نمود. هنوز دقایقی از تجمع اعتراضی معلمان در برابر اداره آموزش و پرورش نگذشته بود که نیروهای پلیسی - امنیتی و لباس شخصی‌ها به صفوف معلمان یورش بردند. شماری از آنان را مورد ضرب و شتم و تعدادی را نیز بازداشت کردند. بدنبال این یورش وحشیانه، معلمان نیز از خیابان سپهبد قری تا خیابان طالقانی دست به راهپیمائی زدند و با سر دادن شعارهایی، توجه مردم و عابریین را نیز نسبت به اعتراض و خواست‌های خود جلب نمودند و پس از آن نیز به اجبار متفرق شدند.

علی‌رغم این موضوع که مراسم اول ماه مه می‌توانست به نحو بهتری برگزار شود، اما در پایان ضروری‌ست که یک بار دیگر بر این نکته تأکید شود که جنبش کارگری در اول ماه مه سال ۸۸، گام بزرگ دیگری به جلو برداشت. اول ماه مه پارک لاله تهران دستاوردهای کم سابقه‌ای داشت و در عین حال نشان داد که پاسیویسم و بی‌عملی در جنبش طبقاتی کارگران جائی ندارد.

اگر در سال‌های گذشته و از ۸۳ تا ۸۸ چشم امید کارگران عموماً به روی کردستان و مراسم‌هایی که در برخی از شهرهای این استان، به مناسبت اول ماه مه برگزار می‌شد، می‌چرخید، این بار اما اول ماه مه در پارک لاله تهران بود که امید را در کردستان زنده می‌ساخت و بر محیط‌های کارگری در سراسر کشور شور و امید می‌بخشید.